

جماعت عزیز،

کریسمس به زودی فرا می رسد. در واقع، من باید خوشحال باشم. اما تقریباً دو سال گذشته چیزهای زیادی از من و همه ما مطالبه شد و آنچه مرا غمگین و بدبین می کند: کرونا ادامه دارد، پایانی در انتظار نیست. من اعتقاد دارم به امنیتی که واکسیناسیون و آزمایش‌ها به ما می دهند - آزمایش‌ها خوب هستند محدود برای شناسایی ناقلان و ویروس که می توانند دیگران را آلوده کنند و ممکن است ویروسی پیدا شود اما آزمایش شخص منفی باشد اگر چه به شدت بیمار باشد.

واکسیناسیون عالیست چون ما را از بیماری محافظت می کند و به خصوص دوره های سخت و دشوار. اما نمی دانم بدن من چقدر به آن واکنش نشان می دهد آیا سیستم ایمنی بدن من قادر به تولید آنتی بادی کافی است یا خیر و یا ایمنی ندارد.

با همه اینها آیا همه چیز عادیست؟ آیا می شود کریسمس را مانند گذشته جشن بگیریم؟ نمیشود. بچه هایی که خارج از کشور زندگی می کنند نمی توانند بیایند. هیچ چیز را نمی توان برنامه ریزی کرد، به هر کاری که دوست دارم انجام دهم، احساس می کنم گره خورده ام و دست و پایی بسته شده. و از طرفی با امتناع کنندگان از ماسک، مخالفان واکسیناسیون و منکران کرونا، که حتی نمی توانند یک دلیل منطقی داشته باشند چه کنم و همچنین شکاف عمیقی که بین خانواده ها و حتی تیم های کاری و دوستانه ایجاد شده

گاهی اوقات احساس می کنم دختری در داستان جرال د گامپ است که به طور تصادفی پیدا کردم: کودکان در اتاق زیر شیروانی کلیسا بازی می کنند - صدای پا را می شنوند و فرار می کنند. فقط گبی در یک صندوقچه قدیمی پنهان شده است که درب آن قفل می شود - بنابراین او در تاریکی به دام افتاده است. او شروع به جیغ زدن، ناله کردن می کند - تا یک زمانی نه بیشتر و ساکت تر می شود آیا او هرگز فکر می کرد کسی نجاتش دهد؟ شبانگاه کشیش بالا می آید - او نور را در آنجا دید و صدای ناله را شنید "سلام کسی آنجا هست؟!"; گبی جرات می گیرد و صدا می زند: بله، من اینجا هستم! درب قفل هست: "صبر کن گبی، من کلید را میارم!" اما هیچ چیز در شرایط او تغییر نکرده است: علاوه بر این، او هنوز در صندوق تنگ و تاریک است. اما یک چیز متفاوت است: کسی مرا از آنجا بیرون خواهد برد - مطمئناً!

قفل درب صندوق ما در جهان -

فریاد وزاری ما:

واو به جهان آمد.

مردم همیشه برای بدبختی خود ناله کرده اند،

و با امید خدایان خود را صدا کردن

اما: چه کسی واقعاً به ما گوش می دهد؟

آیا این ظهور در دنیای ماست در حال حاضر و در این زمان که تحت فشارهای شدید قرار گرفته است.

چه کسی صدایم را می شنود

من کجا هستم؟

راه من، تکلیف من در این روزگار سردرگم و نامشخص چیست؟

چگونه از این صندوق تنگ و تاریکم خارج شوم

ناامیدی، غمگینی، بدبینی همه اینها با ما در این صندوق هست؟

در این زمان قبل از کریسمس من به طور فزاینده ای متوجه می شوم که فعالیت من بیشتر می شود و انگار باید اینطور باشد که بخواهم چیزی را تغییر دهم و یا از کاری که انجام می دهم نهایت لذت را ببرم!
اما در دوران کرونا کمی این شادی را از دست دادم.
برخی از چیزهایی که نیاز به تعهد و قدرت از جانب من برای خدا داشته اند غیر فعال شده بودند و یا بخواب رفته اند."
اما در هر شرایطی برای خدا بایستید و فعال باشید.

ظهور: Advent

لاتین "adventus" به ظهور رسیدن"، در واقع adventus Domini، کلمه لاتین هست برای ورود خداوند.

پس کسی که می تواند مرا از جعبه تاریک و باریکم بیرون بیاورد! او در راه است!
من می توانم به این وعده در امنیت کامل تکیه کنم.
فقط زمان و چگونگی آن هست که پنهان می ماند، و یک راز هست، راز خدا.
راز خدا: این چیزی است که پولس رسول در نامه خود به کلیسای قرنتس می نویسد. یک کلیسای دشوار که پولس بارها و بارها از آن انتقاد می کند که خود را آنان عاقل می دانند و معتقد به شناخت راز خدا هستند.

این سؤال مطرح است - آیا مسیحیان حتی در مقام رسول اجازه دارند دیگران را قضاوت کنند؟ -
این همان چیزی است که پولس در نامه اول خود به قرنتیان، فصل ۴ آیه ۵-۱ می نویسد:

«پس همگان باید به ما به دیده خادمان مسیح و مباشرانی بنگرند که رازهای خدا به آنان به امانت سپرده شده است. و حال انتظاری که از مباشر می رود این است که امین باشد. اما برای من قضاوت شما یا قضاوت هر دادگاه انسانی دیگر چندان مهم نیست. من حتی خود نیز درباره خویشتن قضاوت نمی کنم. زیرا در خود عیبی نمی بینم، اما این مرا بی گناه نمی سازد. بلکه خداوند است که درباره من قضاوت می کند. پس درباره هیچ چیز پیش از وقت قضاوت نکنید تا اینکه خداوند بیاید. او آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد و نیت های دلها را آشکار خواهد ساخت. آنگاه تشویق و تمجید هر کس از خود خدا خواهد بود.»
۱ قرنتیان ۴: ۱-۵

خداوند تو اینجا هستی، در میان ما.
قلب ما را باز کن و به گفتار و شنیدن ما برکت ده. آمین

مباشران: در ترجمه لوتر به مدیریت کننده خانه، مدیر معنی می شود -

یک مدیر خوب کیست؟
آیا کسی است که فعالانه سعی می کند در اوقات خوب چیزهای زیادی جمع کند تا در مواقع ضروری چیزی وجود داشته باشد که به آن رجوع کند؟
آیا این بیشتر به کسی می ماند که مراقب است و می خواهد وضع موجود را حفظ کند؟
یا مدیر کسی است که بیش از همه به آینده نگاه می کند، جسورانه سرمایه گذاری می کند، ریسک خاصی را می پذیرد و اعتماد دارد که سرمایه گذاری هایش روزی سود خواهد داشت؟

مدیر خانه خوب چه کسی است؟
آیا اول پس انداز می کند و بعد خرج می کند یا کسی که به درآمد خوب امیدوار است؟
و او می گیرد که پس از آن پرداخت کند؟
یا او هم فقط یک مدیر خوب است
چه کسی همه را با تعادل خوب کنار هم می آورد؟

مدیر، مدیر خانه آیا راز خدا هستند:
و آیا ما اسرار خدا رو می توانیم مدیریت کنیم و مباشرش باشیم آیا فکر کردن به آن وقاحت نیست!
کسی می تواند اسرار خدا را مدیریت کند!
این همان چیزی است که قرنتیان فکر می کنند.

اما کلمه مباشر از نظر پولوس اینطور نیست.
کلمه یونانی که پولس در اینجا به کار می برد بیشتر به معنای یک خادم یا یک فرد مسئول است.
که دستور از فرد مافوق خود میگیرد.
اینها می توانند فعالیت های عملی باشند،
به عنوان مثال يك حمل کننده چمدان براي شخصي که بشدت مسلح هست.
یا در مورد فعالیت های اداری مانند کارمند رسمی پادشاه یا رئیس دربار است و در زمینه مذهبی خادم يك کنیسه.
اگر چنین خادمی از خدمتهای خود امتناع کند در نتیجه می تواند آسیب بزرگی وارد کند و کار مافوقش را دشوار کند.

و اگر به امروز نگاه کنیم:
به طور مثال منشی ارشد شرکت دست راست رئیس است -
قرارداد ها و اسناد را مدیریت می کند و اگر از کار خود امتناع کند پس از آن هرج و مرج می شود!

مباشر بیشتر از يك خادم هست که رئیس، مالک، اختیارات خاصی را به این فرد که مورد اعتمادش هست منتقل کرده.
تا به طور مستقل عمل کند و این مستلزم آموزش و دانش هست که باید شخص در اون کار داشته باشد. اما بالاتر از همه
قابلیت اطمینان و وفاداریه مباشر در کارش هست و باید با تمام وجود کار کند.
اما باید بداند تمام اختیاراتی که بهش داده شده ماله او نیست و باید به مافوق یا رئیس خود پاسخگو باشد.
و پولوس اینجا نشان می دهد که همه ما مسیحیان مباشران و خادمان مسیح هستیم که اختیار اسرار خدا به ما داده شده تا
آنها را مدیریت کنیم.
بله من هم با پولوس همنظر هستم!

و ما از عیسی مأموریت یافتیم که خبر خوش انجیل را به همه اعلام کنیم و این برای همه کسانی که می خواهند از عیسی
پیروی کنند صدق می کند. عیسی رئیس است.

مباشران اسرار خدا -

او از من انتظار دارد که این کار را انجام دهم!
آیا من توانایی و دانش این کار را دارم؟
آیا می توانم آن را انجام دهم؟
قضاوت فقط به خدا بستگی دارد!
فقط خدا در قلب من می بیند.
او از همان ابتدا مرا می شناخت، تمام مهارت ها و نقاط قوت من را می شناسد و حتی از اشتباهات و ضعف های من هم
خبر دارد.

قضاوت به عنوان یک انسان برای پولس معنی ندارد، حتی قضاوت کردن خودش.
خادم اسرار خدا و مباشران خدا باشیم.

این مرا به فکر فرو می برد.
چیزهای زیادی در کتاب مقدس وجود دارد که من نمی فهمم و خدا می داند.
چگونه می توانم خدای بی نهایت بزرگ و مقدس را درک کنم؟
و به خصوص سوالات زیادی که نگرانی من هستند.
من از کجا آمده ام؟

من کجا میروم؟
چرا این همه بدبختی، بی عدالتی، رنج و مرگ در این دنیا است؟
چگونه از صندوق تنگ و تیره ام بیرون بیایم
که خودم را در آن حبس کردم؟
فقط يك جواب برایم هست، صبر کن تا خداوند بیاید!

سپس نور وارد تاریکی می شود.

سپس اسرار آشکار می شوند.

اما تا آن زمان؟

عیسی قبلا قفل صندوق را باز کرده است!

این به من بستگی دارد که بیرون بیایم یا در صندوق بمانم.

عیسی قبل از من آنجا بوده!

و او با من است همیشه.

و عده او این است: "مطمئن باشید: من همیشه با شما هستم. هر روز تا آخر دنیا!"

این تنها امنیتی است که می توانم در این دنیای نامطمئن بر آن ایمانم را بنا کنم.

پس با تنگی و تاریکی و ناامیدی و غم چه کنم؟

همان کاری را انجام دهید که عیسی انجام داد: وقتی مردم به ما نیاز دارند آنجا باشیم، گوش دهیم، با آنها همراه شویم،

آنچه را که داریم شادی، استعداد، عشق با دیگران به اشتراک بگذارید. به دیدار کسانی که تنها برون برویم، تسلیه دل

غمگینان باشیم، آشتی دادن افراد درگیر، و مخالف بی عدالتی ها...

این دعا از قرن چهارم به خوبی بیان می کند که وظیفه من - همه ما - چیست:

مسیح دست ندارد، فقط دستان ماست

که امروز کارش را انجام دهد

او پا ندارد، فقط پاهای ماست

تا مردم را در راه خود هدایت کند.

مسیح لب ندارد، فقط لب ماست

تا درباره او به مردم بگویید

او هیچ کمکی ندارد، فقط کمک ماست

تا مردم را به سمت خود بیاورد.

در پایان، بله در پایان، پلوس هنوز هم برای من یک وعده شگفت انگیز دارد:

اگر احساس کوچکی وضعف کنم، وظیفه خادمی، مباشر، مباشر خدا به نظرم خیلی بزرگ و سخت می رسد، اما در

نهایت پاداشی وجود دارد. برای آن چیزی که من به هر حال تمام سعی خود را کردم که انجامش دهم: آنگاه هر کس

مورد ستایش خداوند قرار خواهد گرفت آن گونه که شایسته آن است.

آمین